

## تحلیل حسادت به مقام خلیفة اللہی در آیه ۵۴ نساء

سکینه آخوند\*

مائده آخوند\*\*

### چکیده

حسد به معنای آرزوی زوال نعمت از دیگری، افزون بر امور مادی، نعمت‌های معنوی و کمالات خدادادی یا خودساخته را نیز شامل می‌شود. یکی از آیاتی که به این مطلب اشاره دارد آیه ۵۴ سوره نساء است که در آن سخن از افرادی به‌میان آمده است که به دلیل فضل خدای تعالی نسبت به ایشان، مورد حسادت قرار گرفته‌اند. خدای تعالی به این بندگان برگزیده خویش، «مُلک عظیم» عطا کرده است. این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی گرد آمده، در صدد تبیین معنای ملک عظیم و چگونگی حسادت به آن، با بررسی آیات مرتبط و روایات معصومان علیهم‌السلام است و به این نتایج دست یافته که ملک عظیم همان مقام خلیفه اللہی و ولایت تکوینی است که خدای متعال به پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و خاندان مطهر ایشان عطا نموده و حسادت به ملک عظیم، حسادت دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام به مقام امامت و خلافتی است که از سوی خدا به آن بزرگواران عنایت شده و از انگیزه‌های مهم مخالفت با دستور پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در مورد امامت و وصایت حضرت علی علیه‌السلام است.

### واژگان کلیدی

مقام خلافت‌الہی، مُلک عظیم، امامت، ولایت، حسادت.

s.akhoond@yahoo.com

m.akhoond@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۲۴

\*. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه قم (نویسنده مسئول).

تاریخ دریافت: ۹۶/۷/۲۲

### طرح مسئله

آیات متعددی از قرآن به حسد اشاره کرده و آن را از رذائل اخلاقی برشمرده است. حسادت گاهی مربوط به امور و نعمت‌های دنیوی است و گاهی مربوط به امور معنوی. در آیه ۵۴ سوره نساء این رذیله اخلاقی نسبت به کسانی که مورد عطای فضل الهی قرار گرفته‌اند، مطرح شده است:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ  
وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا.

این نوشتار افزون بر معناشناسی حسد و کاربردهای آن در قرآن و روایات، در صدد تبیین این سؤال است که مقصود از ملک و ناس در آیه چیست؟ و ملک عظیم چه موهبتی است که حسادت عده‌ای را برانگیخته و آنان را به مبارزه با خدای متعال واداشته است؟

### الف) مفهوم‌شناسی حسد

حسد و مشتقات آن در قرآن کریم پنج بار ذکر شده است و به معنای درخواست و آرزوی زوال نعمت از دیگری (قرشی، ۱۴۱۵: ۳ / ۱۳۱) آرزوی زوال نعمت از کسی که سزاوار داشتن آن نعمت است، گرچه به او نرسد (طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۶) و نیز به معنای آرزوی ادامه یافتن فقدان نعمت، نقص، فقر و مانند آن برای دیگران است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۵۲۳) شخص حسود چه بسا افزون بر آرزوی قلبی، در زوال آن نعمت کوشش می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۳۴؛ قرشی، ۱۴۱۵: ۳ / ۱۳۱) در علم اخلاق پیرامون مفهوم اصطلاحی حسد می‌نویسند:

حسد آن است که انسان بخواهد نعمتی را که خدا به دیگری داده از او بگیرد؛ به بیانی دیگر، حسود کسی است که چشم دیدن نعمت و آسایش دیگران را ندارد و اگر به آنها نعمتی برسد، ناراحت و غمگین می‌شود و اگر به مصیبتی دچار شوند، شادمان می‌گردد. (نراقی، ۱۳۷۸: ۲۲۶)

افزون بر واژه «حسد»، واژه «بغی» و «غل» نیز در همین معنا به کار رفته است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۵۵) «بغی» به ظلم و تجاوز و تلاش برای ایجاد فساد و شر معنا شده است. (ابن فارس، ۱۴۱۴: ۱ / ۵۰۱) به حسود، اهل بغی گفته می‌شود (صحیفه سجادیه، ۱۳۹۱: ۱۰۸) چون حسود، ظالمی است که برای شخص مقابلش شر خواسته و با تجاوز از حد خود، طالب زوال نعمتهایی است که خدای متعال در اختیار وی نهاده است. (مدنی، ۱۴۰۹: ۳ / ۳۲۰)

«غل» نیز از «غلل» اشتقاق یافته و به معنای چیزی است که مخفیانه و به تدریج نفوذ کند و به همین سبب به کینه حسد که نفوذ تدریجی و مخفیانه دارد، «غل» گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۶۳)

#### یک. حسد در قرآن و روایات

چنانکه اشاره شد آیاتی چند در مورد این رذیله اخلاقی در قرآن ذکر شده است که در چهار آیه به‌طور مستقیم واژه حسد به کار رفته است. آیه ۱۰۹ سوره بقره اشاره به گروهی از اهل کتاب دارد و بیشتر ناظر به یهود است:

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ.

بسیاری از اهل کتاب - پس از اینکه حق برایشان آشکار شد - از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می‌کردند که شما را، بعد از ایمانتان، کافر گردانند.

کار حسد در وجود انسان به‌جایی می‌رسد که نه‌تنها در امور مادی - که مورد تزاخم و کشمکش بین انسان‌ها است - اثر می‌گذارد، بلکه در امور معنوی که هیچ مزاحمتی در آن نیست و هر کس می‌تواند به آن دست یابد نیز اثر می‌گذارد. گاه می‌شود که انسان به‌خاطر لجاجت آگاهانه پا بر سر حق می‌گذارد و راه سعادت را به‌روی خود می‌بندد و در همین حال حسد سبب می‌شود که دیگران را نیز از راه سعادت باز دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲ / ۱۲۸) آیه ۵۴ سوره نساء، داستان یهود را که از شامات به انتظار ظهور پیامبر ﷺ به مدینه کوچ کردند، مطرح می‌کند که بعد از ظهور حضرت بر اثر حسادت به‌شدت مقابله نمودند.

در آیه ۱۵ سوره فتح آمده است: هنگامی که شما برای به‌دست آوردن غنایمی حرکت کنید، متخلفان (حدیبیه) می‌گویند:

بگذارید ما هم در پی شما بیاییم، آنها می‌خواهند کلام خدا را تغییر دهند؛ بگو: هرگز نباید به‌دنبال ما بیایید؛ این‌گونه خداوند از قبل گفته است! آنها به‌زودی می‌گویند: شما نسبت به ما حسد می‌ورزید! ولی آنها جز اندکی نمی‌فهمند!

بر اساس این آیه، شیوه رفتار و شعار دشمن تابع شرایط است و پیوسته در حال تغییر است. ابتدا قصد تغییر کلام الله را دارد، ولی همین که موفق نمی‌شود، تغییر موضع داده و به مؤمنان نسبت حسادت می‌دهند. در آیات دیگر قرآن از واژه‌های هم‌معنای حسد؛ یعنی بغی و غل استفاده شده است و به اختلافات دینی و مذهبی اشاره دارد که ریشه در حسادت دارد. در این آیات، عامل اختلاف دینی و فروپاشی و انسجام و وحدت میان مردم بغی معرفی شده که به‌معنای حسد است (طریحی، ۱۳۷۵: ۵۵) و به ظلم

تفسیر شده است؛ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۵۴۴، ۱ / ۵۴۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۵۶) چراکه منشأ اختلاف در دین از ناحیه کسانی است که حاملان کتاب و علمای دین بوده و حسادت آنان این مشکلات را برای جوامع بشری پدید آورده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲ / ۱۸۲)

قرآن کریم در آیه ۱۰ سوره حشر می‌فرماید:

آنها بعد از طلب آموزش برای خود و پیشگامان در اسلام و ایمان، تنها چیزی را که از خدا می‌طلبند از بین رفتن هرگونه غل و کینه و حسد نسبت به مؤمنان است؛ چراکه می‌دانند تا این امور از دل ریشه‌کن نشود، رشته‌های محبت و برادری و اتحاد هرگز محکم نخواهد شد و بدون آن به هیچ موفقیتی نائل نمی‌شود.

در آیاتی از قرآن نیز به مفهوم حسد اشاره شده است؛ به‌عنوان نمونه در آیه ۱۲۰ سوره آل‌عمران، راه شناخت دوست و دشمن را بیان می‌کند که بهترین راه آن توجه به روحیات و عکس‌العمل آنها در مواقع کامیابی و یا ناکامی مسلمانان است. حسادت دشمنان به قدری است که اگر اندک چیزی به‌شما برسد، ناراحت می‌شوند.

در روایات نیز به این معنا اشاره شده است. از امام علی علیه السلام نقل شده است:

الحاسد یري أن زوال النعمة عن من يحسده نعمة عليه. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۰۱)

حسود زوال نعمت را از دیگران آرزو می‌کند و می‌پندارد زوال نعمت از کسی که به او حسادت ورزیده نعمتی برای اوست.

براین اساس، حسود چشم دیدن برتری دیگران را ندارد و همواره خواهان آن است که محسودعلیه، نعمتی را نداشته باشد یا اگر دارد از دست بدهد. بدترین حالت حسادت این است که این رذیله در روح و روان شخص رسوخ نماید و تنها به آرزو محدود نشود؛ چراکه هرگاه از دایره نیت و آرزو برون آید، به عمل تبدیل شده و اقداماتی برای تحقق خواسته خویش انجام می‌دهد. (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۳۰ / ۵۵۱)

همچنان که در داستان هابیل و قابیل و داستان حضرت یوسف، حسد تبدیل به فعل و عمل شده است. همان‌گونه که در برخی آیات، خاستگاه و ریشه کفر و شرک حسد دانسته شده است، (آل‌عمران / ۱۹)

در روایات نیز بر این معنا تأکید گردیده است؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «یا کفر أن یحسد بعضکم بعضاً فإن الکفر أصله الحسد» (حرانی، ۱۳۶۳: ۳۱۵) از حسدورزی به یکدیگر بهره‌یزی؛ زیرا ریشه کفر حسد است.»

بر این اساس باید حسادت را آفت دینداری مردم دانست، از این‌رو امام علیه السلام به مردم هشدار می‌دهد:

«آفة الدين الحسد والعجب والفخر؛ (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۰۷) آفت دینداری، حسد و عجب و فخر فروشی است.» از سوی دیگر، بسیاری از شرور و بدی‌ها ریشه در حسد دارد. در این باره امام علی علیه السلام حسد را انگیزه‌ای برای گناهان دیگر دانسته و می‌فرماید: «الحرص والكبر والحسد دواعي إلي التمحرم في الذنوب؛ (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱) حرص و تکبر و حسد، انگیزه‌های فرو رفتن در گناهان هستند.»

در اینجا لازم است اشاره‌ای نیز به تفاوت حسد با غبطه شود. غبطه و منافسه، صفتی است که شخص نمی‌خواهد نعمت‌هایی که خداوند به دیگران داده از میان برود، بلکه دوست دارد همان نعمت‌ها را خود نیز دارا باشد. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷ / ۳۸۵) بنابراین، حسد صفت رذیله است، درحالی‌که غبطه و منافسه، نه تنها مذموم و ناپسند نیست که در برخی موارد ممدوح نیز هست. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲ / ۳۰۷) و از صفات مؤمنین شمرده شده است. امام صادق می‌فرماید: «مؤمن غبطه می‌خورد، ولی حسد نمی‌ورزد و منافق حسد می‌ورزد و غبطه نمی‌خورد.» (همان)

## دو. حسادت به امامت و خلافت در قرآن

یکی از حقوق اصلی و اساسی مالک حقیقی، مولویت و حق امرونهی است که قابل تفویض به دیگری نیز هست. بر همین اساس، خدای متعال از بدو خلقت همواره عده‌ای را از میان مخلوقات خویش برگزیده و به ایشان حق امرونهی عطا کرده و دیگران را ملزم به اطاعت از اوامر و نواهی ایشان نموده است (مائده / ۵۵) اما از آنجاکه این موهبت الهی فضیلت و ارزش بسیار بالایی دارد، همواره حسد عده‌ای از افراد پست را برانگیخته و حسادت و خودخواهی ایشان خاستگاه مقابله با مقام خلافت الهی شده است. در ادامه به نمونه‌هایی از حسادت به مقام خلیفه الهی اشاره می‌گردد.

### ۱. حسادت ابلیس به مقام خلافت الهی

در آیاتی از قرآن کریم تمرد شیطان از دستور الهی در سجده به حضرت آدم یاد شده است. (بقره / ۳۴ - ۳۰) عبادت شیطان در ظاهر بی‌نظیر بود، اما همین که خدای متعال از میان مخلوقات فردی را به‌عنوان خلیفه خود معرفی نمود و دستور به سجده به او داد، نافرمانی و تمرد کرد. این سجده در حقیقت احترام به انسانیت به‌ویژه اهل بیت رسالت علیهم السلام بوده است؛ زیرا طبق فرمایش امیرمؤمنان علیه السلام: «خدا ما را در صلب آدم قرار داده و به فرشتگان فرمود برای ما سجده کنند.» (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶: ۱۱ / ۴۳) پس این سجود برای خدای تعالی، عبودیت و برای آدم، طاعت و برای آنچه در صلب آدم قرار داشت، تعظیم و تکریم بود. (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۱ / ۵۴۱) اما ابلیس به جهت حسد به مقام خلیفه الهی خود را با آدم قیاس کرد. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۵۸) و گفت من بهتر از آدم هستم؛ زیرا من از آتش و آدم از خاک آفریده

شده است. (اعراف / ۱۲) در نتیجه، ابلیس به خاطر حسد خود کافر شد و به واسطه نافرمانی از امر پروردگارش فاسق شد و از جوار رحمت خدا مطرود و ملعون گردید و رجیم نامیده شد. (ابن بابویه، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۶)

### ۲. حسادت قابیل به مقام خلافت الهی

در آیاتی از قرآن سخن از داستان فرزندان آدم به میان آمده (مائده / ۲۹ - ۲۷) که مطابق روایات، حسادت قابیل به هابیل بر سر وصایت و جانشینی حضرت آدم بوده است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۶۱۰)

خدای متعال در این آیات، داستان فرزندان آدم و قتل یکی به وسیله دیگری را شرح داده و سبب پدید آمدن آن را حسد دانسته و می‌فرماید: «حسد کار آدمی را به جایی می‌کشاند که حتی برادر، برادر خود را به ناحق به قتل برساند. طبق آیات قرآن نفس سرکش قابیل، وی را مصمم به کشتن برادر کرد و در نتیجه، گرفتار خسران و زیان شد. هم برادر خود را از دست داد و هم آرامش دنیا را؛ چراکه قاتل افزون بر اینکه آخرت خود را به تباهی کشیده است، اگر وجدان داشته باشد، پیوسته در عذاب وجدان است و آرامشی در دنیا نخواهد داشت.

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: به چه دلیل قابیل برادرش را کشت؟ پس فرمود:

فِي الْوَصِيَّةِ. إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى آدَمَ أَنْ يَدْفَعَ الْوَصِيَّةَ وَاسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمَ إِلَى هَابِيلَ، وَكَانَ قَابِيلُ أَكْبَرَ مِنْهُ، فَبَلَغَ ذَلِكَ قَابِيلَ. فَغَضِبَ فَقَالَ: أَنَا أَوْلَى بِالْكَرَامَةِ وَالْوَصِيَّةِ. فَأَمَرَهُمَا أَنْ يَقْرَبَا قُرْبَانًا يُوْحَى مِنَ اللَّهِ إِلَيْهِ. فَفَعَلَا فَقَبِلَ اللَّهُ قُرْبَانَ هَابِيلَ فَحَسَدَهُ قَابِيلُ فَفَتَلَّهُ.  
(حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۶۱۰)

به واسطه وصیت جانشینی و امتیاز الهی؛ زیرا خدا به آدم وحی کرده بود که اسم اعظم و وصیت نبوت را به هابیل اختصاص دهد. قابیل که برادر بزرگتر بود پس از اطلاع، خشمگین شده اعتراض کرد و گفت من برای چنین موقعیتی سزاوارترم. خدا به آدم وحی کرد برای اینکه واقعیت روشن شود و امتیاز هر کدام آشکار گردد بگو قربانی نمایند، از هر کدام قبول شد او صاحب امتیاز است. زمانی که خدا پس از آزمایش، قربانی هابیل را به خاطر اخلاصش پذیرفت و از قابیل نپذیرفت، قابیل حسادت کرد و هابیل را کشت.

### ۳. حسادت دشمنان به امامت و خلافت آل محمد علیهم السلام

حسادت‌ورزی و برتری‌جویی نسبت به خاندان پاک پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف معرکه‌گردانان غصب خلافت و اطرافیان آنان از انگیزه‌های مهم عمل نکردن به دستور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مورد امامت و وصایت حضرت علی علیه السلام است. این انگیزه، ریشه‌دار بوده و به پیش از اسلام بر می‌گردد و مربوط به قبایل عرب،

به‌ویژه برخی از قبایل قریشی مکه است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که بسیار از اقوام و قبایل عرب - به‌خصوص برخی از قبایل قریش و در رأس آنها بنی‌امیه - بنا به انگیزه یادشده، هیچ‌گاه با پیامبر ﷺ و خاندانش (که از بنی‌هاشم بودند) خوب نبودند و پیوسته نسبت به آنان به دلیل تعصب قومی و قبیلگی رشک می‌ورزیدند. بر این اساس، هرگز مایل نبودند فردی از این خاندان به حکومت رسد. (صدر، ۱۳۹۲: ۱۶۵) این حسادت به قدری در اعماق جانشان شعله‌ور بود که بسیاری از قریشیان حتی پس از بیعت مردم با امیرمؤمنان ﷺ با حضرت بیعت نکردند و یا اگر به انگیزه سیاسی مجبور شدند بیعت کنند، از همکاری با حکومت علوی سرباز زدند و پیوسته مترصد ضربه زدن به او و براندازی حکومتش بودند. امام علی ﷺ انگیزه مخالفت قریش با ایشان را این‌گونه بیان می‌فرماید:

به خدا قسم قریش با ما دشمنی نمی‌کند، مگر برای اینکه خدا ما را به رهبری و سروری ایشان برگزید و ما آنان را زیر فرمان خویش کشیدیم. (مفید، بی‌تا: ۱ / ۲۴۲)

یکی از آیات مهمی که حسادت دشمنان اهل‌بیت ﷺ را به مقام امامت و خلافتی که از سوی خدا به آن بزرگواران عنایت شده بود و مردم را ملزم به اطاعت از آنان کرد، آیه ۵۴ سوره نساء است:

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَيَّ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا.

آیا به‌سبب مزیتی که خدا از فضل خود به مردم داده است بر آنان حسد می‌ورزند؟ حسادت برایشان سودی ندارد؛ چراکه ما خود به خاندان ابراهیم (که پیامبر و اهل‌بیتش از آنانند) کتاب آسمانی و دانش دین دادیم و به آنان فرمانروایی بزرگ (پیامبری، مقام ولایت و هدایت) بخشیدیم.

نکاتی در تفسیر آیه مطرح است که باید بدان توجه شود.

#### اول. منظور از ناس

در تفسیر آیه، روایات متعددی در کتب معتبر شیعه ذکر شده که مفاد آنها این است که مورد حسد (الناس) در آیه کریمه، پیامبر ﷺ و خلفای ایشان؛ ائمه اثنا عشر هستند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۰۶؛ صفار، ۱۳۸۱: ۱ / ۳۶؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۹۱؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۶۴۱) در روایات متواتره از ائمه اطهار ﷺ آمده است:

ما هستیم آن افرادی که مورد الطاف و فضل و کرم خدا واقع شده‌ایم و مردم بر امامت و خلافتی که خدا به ما عنایت فرموده و دیگر مخلوقات بهره‌ای از آن ندارند، حسد می‌ورزند.



در کتب اهل سنت نیز روایاتی نقل شده که مفاد آنها چنین است:

محسود در این آیه، آل محمد علیهم السلام می باشند و آنان اند آل ابراهیم که خدا به آنان علم و کتاب و حکمت و وجوب اطاعت عنایت فرموده است. (حاکم حسکانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۱۸۴)

از این رو تعبیر پیامبر و آل محمد علیهم السلام به ناس به آن جهت است که چون قوام دین به آن حضرت است، پس حسد به آنها حسد به جمیع مردم است. (اشکوری، ۱۳۷۳: ۱ / ۴۴۸)

#### دوم. مراد از فضل و کتاب و حکمت

مراد از فضل در مورد پیامبر، نبوت است و در مورد آل او، امامت است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۳ / ۲۱۳) در روایتی از امام صادق علیه السلام مراد از کتاب نبوت و منظور از حکمت، فهم کلام الهی و حکم به حق نمودن در میان خلایق بیان شده است. (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ۱ / ۴۵۷؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۷۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵: ۲ / ۹۴) با توجه به اینکه دشمنان می گفتند نبوت و امامت با هم جمع نمی شود، روایتی از امام باقر علیه السلام است که ایشان می فرماید:

چگونه آنها می گویند نبوت و امامت در یک خانه جمع نمی شوند و با وجود این اقرار به نبوت ابراهیم و امامت آل آن حضرت داشتند؟! سپس حق تعالی در رد ایشان می فرماید: ما از آل ابراهیم، رسولان و انبیا و امامان قرار دادیم، پس چگونه به اجتماع نبوت و امامت در ابراهیم و آل او اقرار می کنند و این اجتماع را در محمد و اهل بیت او انکار می کنند؟! این معنا از باب جمع متناقضین است؛ زیرا آل محمد نیز آل ابراهیم هستند. (اشکوری، ۱۳۷۳: ۱ / ۴۹۰)

#### ب) مصداق ملک عظیم در قرآن

در آیه ۵۴ سوره نساء سخن از برگزیدگانی است که به خاطر فضل الهی به ایشان، مورد حسادت قرار گرفته اند. خدای تعالی به این بندگان برگزیده خویش، ملک عظیم عطا کرده است. برای بررسی معنای ملک عظیم لازم است معنای ملک در آیات دیگر بررسی شده تا به معنای آن در این آیه دست یافت.

#### یک. معنای ملک در قرآن

ملک یعنی سلطنت، آمریت، ریاست، (بقره / ۲۴۶) استیلا و توانایی تصرف در امور عباد و بلاد؛ (اسراء / ۷۱) ملک و پادشاهی ملک خداست و اوست که مالک آن است. پادشاهی را به هر که بخواهد لطف می فرماید و آن را از هر که بخواهد می گیرد، چنانچه در قرآن کریم می فرماید: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ» (آل عمران / ۲۶) پادشاهی که خدا به او امکان پادشاهی داده، شریک خدا



نمی‌شود. مالکیت حق به ذات قدوس خود اوست، ولی مالکیت بندگان به بخشش، لطف و احسان آفریدگار وابسته و به تفضلات، عنایات و نعمات خداوندی منوط است (نمازی شاهرودی، ۱۳۵۱: ۷۹) بنابراین اگر خدا سلطنت و ولایت مطلقه را به بنده‌ای که شایسته بداند، عطا کند، آن بنده شریک خدا نمی‌شود و نقضی بر کار خدا وارد نمی‌گردد.

## دو. صاحبان ملک و مقام خلافت الهی در قرآن

در قرآن از افرادی نام برده شده که خدا به آنها ملک عطا فرموده و آنان به مقام خلافت الهی نائل شده‌اند.

### ۱. حضرت یوسف علیه السلام

از جمله کسانی که خدای متعال به ایشان ملک و پادشاهی عنایت فرموده، حضرت یوسف است که قرآن کریم از زبان آن حضرت می‌فرماید:

رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ.

پروردگارا، تو مرا سلطنت و حکومت عنایت کردی و از تعبیر خواب‌ها و تفسیر احادیث آموختی.

ملک یوسف، سلطنت و ریاست او بر اهل مصر و اطراف آن تا یمن بود. پادشاهی و حکومتی بود که او بر عباد و بلاد تحت فرمان خود در آن نواحی داشت. (جرعاملی، ۱۴۲۵: ۸۷)

### ۲. حضرت داوود علیه السلام

قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: «وَشَدَدْنَا مُلْكُهُ وَأَتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَّلْنَا الْخِطَابَ» (ص / ۲۰) ملکی که در این آیه شریفه به آن اشاره شده، همان فضل و کرم و بخششی است که خدا به حضرت داوود عنایت فرموده است؛ یعنی خدا کوه‌ها و پرندگان را در تسخیر داوود علیه السلام در آورد. (سیا / ۱۱ - ۱۰)

### ۳. حضرت سلیمان علیه السلام

قرآن کریم از زبان حضرت سلیمان می‌فرماید: «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ». (ص / ۳۵) خدای متعال در مقام اجابت دعای سلیمان فرمود: ما باد را مسخر فرمان او کردیم تا به اطاعت فرمانش، هر جا بخواهد به آرامی روان شود، جنیان و شیاطین را نیز که برای او باغ‌های عالی می‌ساختند و از دریا جواهر بیرون می‌آوردند، تحت فرمان او قرار دادیم و دیگر شیاطین را به دست او در غل و زنجیر کشیدیم و این نعمت و سلطنت و قدرت و اقتدار بخشش ما است. (ص / ۳۹ - ۳۵) این سلطنت و ولایت بر کائنات، فقط از جانب پروردگار عالمیان برای او ممکن گشته بود.

در روایات نقل شده که معصومان در تبیین «وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِي» فرموده‌اند:

حکومت دو گونه است: حکومتی که از طریق ظلم و غلبه و اجبار مردم به دست می‌آید، و حکومتی که از سوی خدا است. سلیمان از خدا خواست حکومتی به او دهد که هیچ کس نتواند بعد از او بگوید از طریق غلبه و ظلم و اجبار مردم به دست آمده است. خدای متعال نیز خواسته وی را اجابت کرد. از این رو مردم دانستند که حکومت او هیچ شباهتی به حکومتی که مردم آن را برمی‌گزینند. یا از طریق قهر و غلبه و ستم حاصل می‌شود، ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹ / ۲۸۳)

#### ۴. آل ابراهیم

قرآن کریم در مورد آل ابراهیم به اعطای ملک عظیم از سوی خدا به ایشان اشاره کرده است: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا». تعبیر ملک عظیم می‌رساند که ملک ذومراتب است و از مرتبه بالای آن به عظیم تعبیر شده است. صاحبان ملک در حقیقت استیلا، مشترکند اما صاحب ملک عظیم مرتبه بالاتر استیلا را دارد. (غلامی، ۱۳۸۶: ۶۹) بر این اساس تفاسیر نیز این مقام را به خلافت الهی تفسیر نموده‌اند. آلوسی در مورد معنای ملک صحیح‌ترین کلام را قول شیعه دانسته که تفسیر ملک الهی به مقام امرونی و وجوب اطاعت است، با این حال آن را تعریض به صحابه دانسته است. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۱۶) سیوطی نیز به نقل از ابن عباس مراد از ملک را خلافت رسول خدا ﷺ می‌داند. (سیوطی، ۱۳۷۷: ۲ / ۲۷۳)

#### مقایسه مقام سلیمان با ائمه اطهار علیهم‌السلام

ملک سلیمان با آنکه به صفت عظیم موصوف نشده، به گونه‌ای بود که وی حق فرمانروایی بر جن و انس و شیاطین و باد و حیوانات را داشت. بنابراین در آیه «وَأَتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء / ۵۴) که به فرمانروایی حضرت رسول ﷺ و ائمه هدی علیهم‌السلام مربوط می‌شود، صاحب ملک عظیم کسی است که دایره مملکت او از ملک سلیمان بسیار وسیع‌تر است. حقیقت پادشاهی و حکومتی که خدا به چنین شخصی می‌دهد این است که او را بر افراد رعیت خود دانا و توانا فرماید، به نحوی که اخبار آنها بر او مخفی نباشد و هر تصرفی که بخواهد در مورد مملکت خود، بتواند انجام دهد، از این رو به دلیل ملک عظیمی که خدای متعال به محمد ﷺ و آل او مرحمت فرموده، اطاعت ایشان را بر همه موجودات واجب کرده است و به اذن خدا می‌توانند در تمام کائنات تصرف و فرمانروایی کنند.

#### سه. ملک عظیم در روایات

در ذیل آیه ۵۴ سوره نساء روایات صحیحی (مجلسی، ۱۴۰۴: ۲ / ۳۲۶) از معصومان علیهم‌السلام ذکر شده که

ملک عظیم را به مقام امامت و خلافت الهی معنا کرده‌اند. امام باقر علیه السلام ملک را به امامت و خلافت (مجلسی، بی تا: ۲۳ / ۲۹۰) و ملک عظیم را وجوب اطاعت معنا کرده است. (صفار، ۱۳۸۱: ۳۵ و ۵۰۹؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۸۶) امام صادق آن را به افتراض الطاعة بودن امام معنا کرده است. (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۴۸) امام رضا علیه السلام نیز در پاسخ مأمون که در مورد برتری عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله می پرسد، به آیه ملک عظیم استشهاد می کند و ملک را در این آیه وجوب اطاعت از ائمه و اهل بیت علیهم السلام تفسیر می فرماید. (ابن بابویه، ۱۴۱۷: ۵۲۲؛ ۱۳۷۷: ۱ / ۴۴۹)

بنابراین با توجه به اینکه در برخی از روایات ملک عظیم به «طاعة الله المفروضه» معنا شده است (صفار، ۱۳۸۱: ۵۱۰). مراد از آن، مقام امامت و آمریت است و امام از سوی خدا حق امر و نهی و سلطنت دارد. به همین جهت اطاعت از او، اطاعت از خدا و نافرمانی از او، نافرمانی خدا است. روایتی از امام باقر علیه السلام نیز بر این امر دلالت دارد. ایشان درباره اعطای ملک عظیم می فرماید:

ملک عظیم؛ یعنی اینکه امامان را در نسل ایشان قرار داد و هر کس از ایشان اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و هر کس ایشان را نافرمانی کند خدا را عصیان نموده است. این است معنای ملک عظیم. (صفار، ۱۳۸۱: ۳۶)

#### چهار. دلالت سیاق بر امامت و ولایت اهل بیت علیهم السلام

در بررسی روایات روشن شد که ملک عظیم، مقام افتراض الطاعة است و صاحبان امر و نهی که مورد حسادت واقع شده‌اند، اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. این معنا از آیات قبل نیز به دست می آید. در این مجال، سیاق آیات مرتبط با این آیه با توجه به روایات ذیل آن بررسی می شود.

در آیه ۴۱ سوره نساء خدای تعالی به شهادت رسول الله بر امت اشاره می کند و عده‌ای از امت رسول الله را تذکار و هشدار می دهد به روزی که رسول خدا به زیان آنان شهادت خواهد داد: «فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا». بر اساس روایت امیرمؤمنان علیه السلام، اندازشوندگان، گروهی از امت رسول خدا هستند که از سر انکار دین به گونه آشکار یا نهان، عهد خود را با پیامبر می شکنند، سنت او را تغییر می دهند، به حقوق اهل بیت رسول خدا تعدی می کنند و به واسطه این عمل، به کفر سابق خود باز می گردند. به شرک جاهلیت مرتد می شوند و در این امور، نعل به نعل از سنت امت های ظالم گذشته پیروی می کنند که به پیامبران شان خیانت کردند. (طبرسی، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۶۱؛ مشهدی، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۵۷)

در ادامه نیز خدای متعال درباره کافرانی سخن می گوید که به دلیل نافرمانی از رسول خدا آرزو می کنند با خاک یکسان شوند:

يَوْمَئِذٍ يَوْمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصُوا الرَّسُولَ لَوْ تَسَوَّى بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا.  
(نساء / ۴۲)

در روایات آمده که آنان که حق امیرمؤمنان علیه السلام را غصب کردند، آرزو می‌کنند با خاک یکسان شوند. (قمی، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۳۹؛ مجلسی، بی‌تا: ۲ / ۴۵۹) آیات بعد نیز سخن از خریدن ضلالت و گمراه کردن مردم توسط منافقان امت رسول اکرم است. قمی در تفسیر خود، ضلالتی را که منافقان خریدند و راهی که گم کردن آن را اراده کرده‌اند، به گمراهی و خروج مردم از ولایت امیرمؤمنان تفسیر می‌کند. (قمی، ۱۳۸۶: ۱ / ۱۳۹) «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالََةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ». (نساء / ۴۴)

خدای سبحان در آیه دیگری یهودیان را امر می‌کند به آنچه به حق نازل کرده است، ایمان بیاورند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ» (نساء، آیه ۴۷) امام باقر علیه السلام در مورد این آیه می‌فرماید: «به آنچه به حق، در مورد علی علیه السلام نازل شده ایمان بیاورید» و نیز می‌فرماید: «مصدقاً لما معكم»؛ یعنی تصدیق‌کننده رسول خدا است. (مشهدی، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۷۲؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۴۵)

در ادامه آیات نیز عدم تسلیم در مقابل امر الهی، شرک شمرده می‌شود و خدای تعالی آن را قابل آمرزش نمی‌داند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا» (نساء / ۴۸) این شرک از نظر ائمه اهل‌بیت به معنای انکار ولایت امیرمؤمنان است. (مشهدی، ۱۴۰۷: ۲ / ۴۷۴؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۴۵)

خدای متعال در آیه بعد، درباره خودبرتربینی یهود سخن می‌گوید: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُرْكَبُونَ أَنْفُسَهُمْ بِلِ اللَّهِ يُرْكَبِي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظَلِّمُونَ فِتْيَانًا» (نساء / ۴۹) با توجه به آیه بعد، روشن می‌شود که یهودیان به دلیل خودبرتربینی و حسد، امر الهی را نادیده گرفتند و ضلالت را بر خود خریدند. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا» (نساء / ۵۱) آنان به جای ایمان به خدا و تسلیم در مقابل کسی که خدای تعالی به او حق امرونهی داده است، به سرپرستی جبت و طاغوت تن دادند. (مجلسی، بی‌تا: ۲ / ۴۷۸؛ عیاشی، ۱۳۸۰: ۲۴۷)

خدای سبحان سپس به صورت استفهام، بهره آنان (جبت و طاغوت) را از ملک و سلطنت الهی، انکار و نفی می‌کند: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا». (نساء / ۵۳) در اینجا روشن می‌شود آنچه منافقان و کافران در مقابل آن تسلیم نشدند، ملک و سلطنت الهی و اطاعت از امام بود. همین امر هم باعث شرک و ضلالت ایشان شد. سرانجام خداوند، عامل اصلی مخالفت اهل کتاب و جبت و طاغوت با امر الهی و عدم تسلیم آنان در برابر امام منصوب از جانب خدای متعال را بیان می‌دارد: «أَمْ يَحْسُدُونَ

النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء / ۵۴) که طبق روایات، حسادت به امامت اهل بیت مراد است. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۲۰۵)

#### پنج. ولایت ائمه هدی بر تمام کائنات

با توجه به روایات تفسیری ذیل آیات، مشخص می‌شود مراد از ملک عظیم در این آیه کریمه، سلطنت و ریاست و حق فرمانروایی بر تمام افراد مکلف، تمام حیوانات و تمام کائنات و موجودات است. روایات بسیاری بیانگر آن است که مراد از ملک عظیم، وجوب اطاعت است و مقصود از وجوب اطاعت تمام اشیاء است. امام حسین علیه السلام فرمود: «والله ما خلق الله شيئاً الا وقد امره بالطاعة لنا؛ به خدا قسم، چیزی را خدا نیافرید مگر اینکه آن را امر فرموده که مطیع ما باشند!» (مجلسی، بی تا: ۱۸۳ / ۴۴) بدیهی است که این روایات، مخالف قرآن نیست، بلکه موافق با اطلاق قرآن است؛ زیرا در بیانات عترت ملک عظیم تفسیر به وجوب اطاعت شده و وجوب اطاعت اطلاق دارد و شامل اطاعت انسان‌ها در احکام شرعی و نیز اطاعت تمام موجودات از آن پاکان می‌شود. یعنی اهل بیت علیهم السلام به دلیل شایستگی‌های ذاتی و اکتسابی، هم ولایت تکوینی دارند و هم ولایت تشریحی. همچنین روایات دیگری که ملک عظیم را به امامت و خلافت حقه الهیه تفسیر می‌کنند، مؤید این روایات است؛ زیرا آن بزرگواران، حجت خدا و امام و خلیفه و نایب پروردگار بر جمیع خلائق‌اند، پس باید به جمیع خلق دانا و به تغییر و اصلاح آنان توانا باشد. (حرعاملی، ۱۴۲۵: ۵ / ۱۱۱)

از آنچه گذشت، مقصود از ولایت تکوینی که مدعای ما است، معلوم شد؛ یعنی خدای متعال جمیع مخلوقات را که خلق فرموده و حدوث و بقای آنها به خواست و اراده اوست، به همگان امر فرموده و الزام نموده که مطیع و فرمانبردار پیامبر و ائمه هدی علیهم السلام باشند؛ به عبارت دیگر، ذات مقدس پروردگار تمام اشیاء را مسخر فرمان پیامبر و ائمه معصوم قرار داده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سبحان الذي سخر للامام كل شيء». (بحرانی، ۱۴۱۳: ۶ / ۱۰۰)

#### نتیجه

خدای متعال از بدو خلقت همواره عده‌ای را از میان مخلوقات خویش برگزیده و به آنان به دلیل شایستگی‌هایشان، عنایاتی افاضه نموده است. یکی از این عنایات، مقام خلافت الهی است که مورد حسادت قرار گرفته است. از جمله موارد آن، حسادت ابلیس به خلافت حضرت آدم علیه السلام، حسادت قابیل به خلافت هابیل و حسادت برادران یوسف به مقام حضرت یوسف علیه السلام است.

کسانی که مورد حسادت قرار می‌گیرند، معمولاً دارای کمالاتی خدادادی یا خودساخته هستند و هرچه انسان کامل‌تر باشد، بیشتر مورد حسد قرار می‌گیرد. از آنجایی که پیامبر ﷺ و اهل بیت  کامل‌ترین افراد بشر هستند و خدای سبحان به آنها بیشترین تفضل را نموده و ملک عظیم را به آنان اختصاص داده، مورد حسادت دنیاطلبان قرار گرفتند. ملک عظیم به معنای مقام خلافت و امامت و مفروض الطاعه بودن اهل بیت  - که نمایانگر ولایت تکوینی و تشریحی ایشان است - بالاترین درجه ملک است که به برگزیدگان اعطا شده و به همین دلیل آنان مورد حسادت قرار گرفته‌اند.

#### منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- امام زین العابدین ، ۱۳۹۱، صحیفه سجادیه، ترجمه حسین انصاریان، تهران، پیام آزادی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۷۷ ق، عیون اخبار الرضا ، تصحیح سید مهدی لاجوردی، قم، بی‌نا.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، کمال الدین، ترجمه علی اکبر غفاری، قم، دار الحدیث.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۷ ق، الأملی، قم، مؤسسه البعثه.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، ۱۳۷۹ ق، مناقب آل ابی طالب ، قم، علامه.
- ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ ق، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۱۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، تصحیح جمال الدین میر دامادی، بیروت، دار الفکر، چ سوم.
- اشکوری، محمد بن علی، ۱۳۷۳، تفسیر شریف لاهیجی، تصحیح جلال الدین محدث، تهران، نشر داد.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۳ ق، مدینه المعجز الأئمه الاثنی عشر، قم، مؤسسة المعارف الاسلامیة.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۱۵ ق، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، مؤسسه بعثت.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، ۱۴۱۱ ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق محمدباقر محمودی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۲۵ ق، *اثبات الهداة*، بیروت، علمی.
- حرانی، حسن بن علی، ۱۳۶۳ ق، *تحف العقول*، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ دوم.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، اسماعیلیان، چ چهارم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت و دمشق، دار العلم و الدار الشامیة.
- زمخشری، محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، *الکشاف عن الحقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، بیروت، دار الکتب العربی، چ سوم.
- سیوطی، جلال الدین، ۱۳۷۷، *الدر المثور فی التفسیر بالمأثور*، تهران، المکتبة الاسلامیة.
- صادقی تهرانی، محمد، ۱۴۰۶ ق، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة*، قم، فرهنگ اسلامی، چ دوم.
- صدر، سید رضا، ۱۳۹۲، *حسد*، به اهتمام سید باقر خسروشاهی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چ هفتم.
- صفار، محمد بن حسن، ۱۳۸۱ ق، *بصائر الدرجات*، تبریز، شرکت چاپ تبریز.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- طبرسی، احمد بن علی، ۱۳۸۶ ق، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، نجف، دار النعمان.
- طبرسی، فضل بن حسن، بی تا، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، ترجمه حسین نوری همدانی، تهران، فراهانی.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، چ سوم.
- عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰ ق، *کتاب التفسیر*، تهران، المطبعة الاسلامیة.
- غلامی، اصغر، ۱۳۸۶، «بررسی مفهوم امامت در پرتو آیه ملک عظیم»، *سفینه*، ش ۱۵، ص ۹۱ - ۶۶، تهران، مؤسسه فرهنگی نبأ مبین.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۴۱۵ ق، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ ششم.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۸۶ ق، *تفسیر القمی*، نجف، مکتبة الهدی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چ چهارم.



- مجلسی، محمدباقر، بی تا، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- \_\_\_\_\_، ۱۴۰۴ ق، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول صلى الله عليه وآله*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ دوم.
- محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۹۳، *میزان الحکمه*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دار الحدیث، چ چهاردهم.
- مدنی شیرازی، سید علی خان، ۱۴۰۹ ق، *ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۴۰۷ ق، *کنز الدقایق*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- مفید، محمد بن محمد، بی تا، *الایرشاد*، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، چ دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ دهم.
- نراقی، احمد، ۱۳۷۸، *معراج السعاده*، قم، هجرت.
- نمازی شاهرودی، علی، ۱۳۵۱، *اثبات ولایت*، اصفهان، حسینیه عمادزاده.

